

بررسی نقش و جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی

سید ابوالفضل موسوی‌زاده^۱، اسماعیل قاسمی^۲، سید محمدرضا موسوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸

چکیده:

هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی نقش و جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. این پژوهش با بکارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به واکاوی متون، پژوهش‌های صورت گرفته و همچنین اسناد و تحقیقات انجام شده در این حوزه پرداخته است. لذا پژوهش حاضر نیز سعی در پررنگ کردن نقش و جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی داشته است، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نمی‌توان نقش آموزش و پرورش را در معرفی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی نادیده گرفت؛ ولیکن در طی این چهل سال از گذشت انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش در برنامه‌های تربیتی و آموزشی خود نتوانسته به نحو مطلوب ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را به دانش‌آموزان منتقل کرده و در گفتمان‌سازی آن موفق باشد، لذا برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی و تربیتی نظام آموزش و پرورش از حیث توجه به آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی و گفتمان‌سازی آن نیازمند تجدید نظر و اصلاح می‌باشد.

واژگان اصلی: آموزش و پرورش، مدیریت آموزشی، انقلاب اسلامی، گفتمان‌سازی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

esmaeilghasemi6464@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

نظام آموزش و پرورش هر کشوری برای تثبیت، تقویت و انتقال ارزش‌ها، فرهنگ و آرمان‌های آن جامعه بستر مناسبی بوده و نهادینه کردن این ارزش‌ها از کارکردهای اصلی هر نظام آموزشی بشمار می‌رود، لذا آموزش و پرورش به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهمترین نهادهای اجتماعی، بیشترین تاثیر تربیتی را بر روی افراد جامعه داشته بنحوری که هدف نهائی و غایی نظام‌های آموزشی در سراسر دنیا تعلیم افراد به منظور حضور در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر آن جامعه است تا بتوانند افرادی جامعه پذیر تربیت کنند.

دانش‌آموزان مهمترین و حساس‌ترین عناصر در نظام‌های آموزشی هر کشوری بوده و حضور آنها در کلاس‌های درس و مدرسه فرصت مغتنمی برای حکومت‌های سیاسی مستقر در آن جامعه است که بتوانند آرمان‌های خود را به آنها منتقل کنند، لذا یکی از راه‌های گسترش روحیه انقلابی، تقویت و استمرار انقلاب اسلامی، اشاعه و گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های آن در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی دانش‌آموزان است، آموزش و پرورش در تدوین برنامه‌های خود موظف است تا با تمهیدات لازم و مفید برای بالا بردن سطح دانش و آگاهی مخاطبین خود به گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی بپردازد.

در کشور ما ایران با وجود قریب به ۱۵ میلیون دانش‌آموز، بزرگ‌ترین شبکه ارتباطی بین دولت و مردم از طریق بیش از ۱۵۰ هزار مدرسه برقرار است، حضور بیش از یک میلیون نفر از کارکنان دولت در آموزش و پرورش، پل ارتباطی مستحکمی بین حاکمیت و مردم ایجاد نموده است. لذا کوچک‌ترین تحول در آموزش و پرورش، اولیاء و در نتیجه مردم جامعه را متأثر می‌نماید (فانی، ۱۳۸۶).

بیان مساله

تثبیت، تقویت و انتقال ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی و همچنین تحقق عملی آنها در جامعه، مستلزم تلاش همه‌جانبه نهادهای فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی جامعه است، نظر به گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و تولد نسل چهارم فرزندان این انقلاب که با توجه به تحولات روزافزون فرهنگی و تربیتی در سطح جهان و همچنین کشور ما ایران مواجه بوده‌اند و متناسب با این تغییرات باورها و یافته‌هایشان با نسل اول انقلاب متفاوت بوده و نیز ضعف در تدوین برنامه‌های جامع برای تربیت و آموزش جوانان بر مبنای اعتقادات و ارزش‌های انقلابی و

همچنین کم توجهی به آموزش خانواده‌ها در راستای تقویت اصول و آداب تربیت اسلامی نگرانی‌هایی را از سوی دلسوزان و صاحب‌نظران تربیت اسلامی بوجود آورده است.

هرچند از وقوع انقلاب اسلامی تاکنون، همواره نظام آموزشی کشور به ارزش‌های واقعی این انقلاب واقف بوده و سعی کرده است تا دین خود را نسبت به آن ادا کند و نمی‌توان نقش آموزش و پرورش را در معرفی اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تا به امروز نادیده گرفت؛ ولیکن با این وجود در برنامه درسی ملی از توجه رویکردی و ویژه به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی غفلت شده است (بهالگردی و همکاران، ۱۳۸۷).

نهاد آموزش و پرورش نقش بی‌همتایی در جامعه دارد؛ گذشته را بازمی‌تابد، از حال خبر می‌دهد و برای آینده زمینه‌سازی می‌کند. به همین جهت نظام آموزشی اغلب محور منازعات گفتمان‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است. بخصوص در جوامعی که نظام آموزشی متمرکز و در اختیار حاکمیت است، گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بطور مستقیم و غیرمستقیم، باعث تغییراتی در ساختار و محتوای نظام آموزشی می‌شود (حق وردی به نقل از سجادی، ۱۳۹۸).

در اثر تحولات سریع اجتماعی و تأثیر آن‌ها در جنبه‌های فرهنگی امکان دارد که کودکان، نوجوانان و نسل جوان از میراث فرهنگی و اجتماعی جامعه خود فاصله گیرند و این امر منجر به نوعی تضاد فکری و عقیدتی بین آن‌ها شده و وحدت جامعه را متزلزل خواهد ساخت؛ بنابراین در این جاست که آموزش و پرورش برای جلوگیری از این تضادها و حفظ وحدت و هماهنگی فرهنگی باید به دانش آموز کمک دهد تا جامعه پذیر شده و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه خود را بهتر درک کرده و قدر و اهمیت آن‌ها را بدانند (منافی شرف آباد و زمانی، به نقل از سبحانی نژاد، ۱۳۹۱).

گفتمان‌سازی حلقه مفقوده مدیریت فکری و فرهنگی انقلاب است. فرض کنیم که توانستیم چپستی یک اندیشه و یک نرم افزار فکری برای جامعه هدف را به درستی تبیین کنیم، چگونگی رساندن این اندیشه به جامعه هدف و تبدیل آن به یک باور عمومی و در نتیجه رفتار عمومی با گفتمان‌سازی محقق می‌شود (شب‌دینی پاشاکی و همکاران، ۱۴۰۰).

لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که نقش و جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی کجاست؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از ویژگی‌های جوامع انسانی، انتقال فرهنگ (Culture) از نسلی به نسل دیگر است. جامعه‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش رسمی (Education Formal) را یکی از عوامل مؤثر در اجتماعی شدن افراد می‌دانند. نظام آموزش و پرورش هر کشوری سعی دارد دانش آموزان تحت پوشش خود را به گونه‌ای آموزش دهد که پس از طی دوره‌ی آموزش عمومی به یک نگرش اجتماعی مثبت دست یابند.

لذا با ظهور نسل جدید انقلاب اسلامی و جهت‌پیشگیری از گسست نسلی و بهره‌گیری معنوی و اخلاقی از این ذخایر گران‌بهای الهی می‌توان به سوی افق روشن نظام اسلامی به پیش رفت و دستیابی به هدف‌های والا و آرمانی را برای حاکمیت دینی ممکن ساخت. تحقق کامل و جامع ایده‌های انقلاب اسلامی، رهین پرورش و تربیت این نسل است تا بتوان توسعه پایدار و اقتدار بین‌المللی و سیاسی آمیخته با ارزش‌های دینی را به منصفی ظهور رساند. بسط و گسترش انقلاب اسلامی منوط به توجه جدی به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، به ویژه در میان نسل جوان و دانش‌آموزان کشور است. توجه به این مهم، با در نظر گرفتن اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی که هدف اصلی آن دور کردن نسل دوم و سوم انقلاب از اهداف و آرمان‌های آن است، در نظام آموزش و پرورش بیشتر احساس می‌شود (پاکمهر و همکاران به نقل از باصری، ۱۳۹۵).

از این رو گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در بین دانش‌آموزان و نسل چهارم انقلاب اسلامی لازم و ضروریست.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش کیفی - توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده است. لذا پژوهشگر سعی نموده است تا با مطالعه اسناد و سوابق پژوهش‌های پیشین و با روش اسنادی و فراتحلیل به بررسی جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی بپردازد. در این مطالعه (تحلیل محتوای کیفی)، حوزه پژوهش شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده پیرامون موضوع مورد بحث بوده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده و جهت نمونه‌گیری به علت کثرت منابع در این حوزه از کلیه مکتوبات چاپی و دیجیتال در دسترس از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی استفاده شده است.

هدف کلی پژوهش

با توجه به دغدغه محقق، یعنی لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزش و پرورش در جهت گفتمان‌سازی آرمان‌های انقلاب اسلامی و همچنین اشاعه تفکر انقلابی در بین دانش‌آموزان، هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش و جایگاه آموزش و پرورش در گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

مبانی نظری

- آموزش و پرورش

آموزش و پرورش عبارت است از جریانی نظام‌مند و هدف‌دار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب (حسینی‌نسب و علی‌اقدام، ۱۳۷۵).

«آموزش و پرورش» در مفهومی وسیع به تمامی فرایندهایی اطلاق می‌شود که زندگی فرهنگی را برای انسان تأمین می‌کنند. نوع انسان همچون همه موجودات دیگر به صورت بیولوژیک تولیدمثل می‌کند، اما زاد و ولد بیولوژیک با توالد فرهنگی یکی نیست، بدین معنا که انسان از راه زندگی در فرهنگ و مشارکت در آن، به تدریج فرهنگ را اخذ می‌کند و در آن سهیم می‌شود. افراد و نهادهای اجتماعی متعددی در فرایند فرهنگی کردن نسل جوان دست‌اندرکارند. خانواده، گروه هم‌سالان، جامعه، رسانه‌های گروهی، مذهب و دولت، همگی بر فرد تأثیر سازنده دارند. در این میان، نقش آموزش و پرورش تعیین‌کننده، بی‌بدیل و انکارناپذیر است (گوتگ و پاک‌سرشت، ۱۳۸۹).

- گفتمان

واژه گفتمان از مفاهیم کاربردی و اساسی در تفکر فلسفی، اجتماعی و علمی بشمار می‌رود که امروزه اهمیت روز افزونی یافته است، لذا گفتمان را باید ساختار در معرض انهدام و هویتی در انحنا معانی جدید دانست که در عین حال که در زمان حاضر کامل است، اما در هر حال ممکن است از طریق گفتگوی مداوم عناصر تغییر یابد (نجم‌زاده، ۱۳۸۲).

در واقع؛ گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌ها، مفاهیم و مقولاتی است که در ارتباط منطقی با یکدیگر قرار گرفته‌اند و منظومه فکری مشخصی را شکل می‌دهند که به قول و فعل پیروانش معنا می‌دهد (تاجیک، ۱۳۸۳).

گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی و شکل‌دهنده ذهنیت و تعاملات سیاسی یا همان قدرت است (بشیر و همکاران، ۱۳۸۸).

ریشه‌ی مفهوم «گفتمان»، «discurrese»، را میتوان در فعل یونانی «discurrere»، به معنای حرکت سریع در جهات مختلف یافت. این مفهوم به معنی تجلی زبان در گفتار و نوشتار به کار برده می‌شود؛ ولی همانطور که از ریشه‌ی آن پیداست، در علم بیان کلاسیک بر زبان، به عنوان حرکت و عمل تأکید می‌شده است. از معادل‌هایی که برای این مفهوم در زبان فارسی به کار برده شده میتوان از «گفتار»، «وعظ و خطابه»، «سخن»، «درس و بحث» و «گفتمان» نام برد (کریمی نیا و همکاران به نقل از عضدانلو، ۱۴۰۱).

در کلام رهبر معظم انقلاب، «گفتمان» با تعابیری مانند: «جهت‌گیری فکری مشخص در جامعه»، «فکر رایج بین مردم»، «مطالبه‌ی عمومی»، «باور عمومی»، «سخن مورد قبول و توجه عموم مردم» و «همه‌گیری یک مفهوم و معرفت در برهه‌ای از زمان در جامعه» به کار رفته است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۲/۲۸، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲).

- گفتمان‌سازی

گفتمان‌سازی یک اصلاح جدید است، گفتمان‌سازی فرایند تبدیل یا ورود نظریه‌ها و گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم است، فرایندی که با شناخت جامعه و استفاده از ابزارهای مناسب و آموزش صورت می‌پذیرد و اغلب زمانبر است (اسکندری، ۱۳۹۳).

گفتمان‌سازی امری دستوری نیست و نیاز به طراحی فرایندی علمی با توجه به خصوصیات جامعه هدف دارد. رهبر انقلاب می‌فرماید: «گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن‌چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند؛ این با گفتن حاصل میشود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون - حاصل می‌شود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

بنابراین گفتمان‌سازی به معنای فراگیر کردن و عمومیت بخشیدن به یک مفهوم، معرفت و اندیشه در بین مخاطبان است؛ به گونه‌ای که به سب فضای فکری به وجود آمده، همه در آن فضا می‌اندیشند، پیرامون آن با یکدیگر حرف می‌زنند و تبادل گفتار و معنا می‌کنند، جهت می‌

گیرند، به آن معتقد می‌شوند و طبق آن رفتار و نسبت به آن مطالبه‌گری می‌کنند، و سبب تولد و توسعه دانش‌ها می‌شوند (شبدینی پاشاکی و همکاران، ۱۴۰۰).

- اهمیت گفتمان‌سازی

آرمان‌های انقلاب اسلامی و اهداف کلان جمهوری اسلامی تنها از راه تبدیل شدن به «گفتمان» محقق می‌شوند. گفتمان‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و جمهوری اسلامی به معنای «تبدیل شدن» آن‌ها به روح کلی اقشار مختلف جامعه و تبلور آن‌ها در شیوه‌ی زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و جریان یافتن آن در سراسر مویرگ‌های حیات اجتماعی است. رهبر انقلاب درباره‌ی اهمیت گفتمان‌سازی می‌فرماید: «این گفتمان‌سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه‌ی دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه‌ی دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند.» (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲ / ۰۹ / ۱۳۸۸).

- عامل گفتمان‌ساز

«ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که می‌توانند فکر ملت‌ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه‌ی نجات ملت‌ها شود؛ همچنان که خدای نخواستہ می‌توانند به سمتی ببرند که مایه‌ی بدبختی و اسارت و تیره‌روزی ملت‌ها شود.... بنابراین اساتید دانشگاه، فرزندان و نخبگان علمی در هر کشوری می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند؛ البته به شرط اخلاص، به شرط شجاعت، به شرط نترسیدن از دشمنان. اگر ترس آمد، اگر طمع آمد، اگر غفلت آمد، اگر تنبلی آمد، کار خراب خواهد شد. اگر ترس نبود، شجاعت بود، اگر طمع نبود، اگر غفلت نبود، هوشیاری و بیداری بود، آن وقت کار درست خواهد شد.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۲۱ / ۰۹ / ۱۳۹۱)

- ارزش‌های انقلاب اسلامی

سرچشمه ارزش‌های انقلاب اسلامی، دین مبین اسلام است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌های جامعه نیز دگرگون شد و تعلیم و تربیت الهی و توجه به معنویات و فضائل انسانی، جایگاهی ارزشمند یافت. هدف انقلاب اسلامی تلاش برای دگرگونی ارزش‌ها به سوی نظام

اخلاقی بوده است. یکی از مهمترین راه‌های حفظ و تداوم انقلاب و دور ماندن از رکود این حرکت اجتماعی و فرهنگی، فهم و درک عمیق ارزش‌ها، بنیادهای انقلاب و انتقال آن به نسل‌های آینده است. همچنین برای بقای جامعه و بروز رفتارهای انسانی نیاز به اقامه ارزش‌ها در جامعه است؛ زیرا بدون انطباق رفتارها با ارزش‌ها، جامعه قدرت ادامه حیات ندارد؛ قوام هر جامعه‌ای به ارزش‌های آن جامعه بستگی دارد. نادیده گرفتن ارزش‌ها، پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت، به ویژه وقتی این ارزش‌ها الهی باشد که در این صورت، با نادیده گرفتن آن، نه تنها امنیت مادی، بلکه امکان بروز رفتار معنوی از میان می‌رود و در نتیجه ظهور کمالات انسانی نیز به خطر می‌افتد. انقلاب ایران نیز ارزش‌های اصیلی است که مبتنی بر آن است و دوام و قوام آن وابسته به این ارزش‌ها می‌باشد، لذا این یک فرض و وظیفه است که در راستای شناخت ارزش‌های انقلاب اسلامی و معرفی و بسط آنها در جامعه به ویژه میان نسل جوان وظیفه‌ای واجب است (هاشمی، ۱۴۰۰).

شهید مطهری رحمه الله ماهیت اسلامی انقلاب را این‌گونه تعریف می‌کند «طرد همه ارزش‌های غیر اسلامی و تکیه بر ارزش‌های مستقل اسلامی» (مطهری، ۱۳۷۲).

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در طول سال‌های گذشته بخش اعظمی از بیانات خود پیرامون مسئله انقلاب اسلامی را به بررسی و تبیین "ارزش‌های انقلاب اسلامی" اختصاص داده‌اند.

"ساده‌زیستی مسئولان"، "استکبارستیزی"، "سلطه‌ستیزی"، "بیگانه‌ستیزی"، "استبدادستیزی"، "افتخار به انقلابیگری"، "عدالت‌طلبی"، "دوری از تجمل‌گرایی"، "اجتناب از اشرافیگری"، "نفی استثمار"، "نفی سلطه‌پذیری"، "نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا"، "نفی وابستگی سیاسی"، "نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور"، "نفی سکولاریسم اخلاقی و اباحیگری"، "دفاع از مظلومان جهان"، "فتح قله‌های دانش"، "کرامت انسان"، "سعی برای ایجاد برادری و برابری"، "اخلاق"، "ایستادگی در مقابل دشمن"، "ایمان"، "استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی"، "آزادی فکر"، "رواج اخلاق فاضله"، "حکومت مردمی"، "حکومت صالح و انسان‌های برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها" و... از جمله ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند که مقام معظم رهبری بر لزوم حفظ و تقویت آن تأکید کرده‌اند.

۱. عدالت، ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله برجسته شدن ارزش‌های انقلاب است. در این سال‌هایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزش‌های انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه می‌کردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: مسئله ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری. یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی می‌کردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله می‌نوشتند، حرف می‌زدند، گفته می‌شد. امروز خوشبختانه این‌جور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهت‌گیری انقلابی، ارزش‌های انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همین‌هاست؛ یعنی مردم به این ارزش‌ها اهمیت می‌دهند. مسئله دعوت به عدالت، مسئله ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲).

۲. استکبارستیزی، سلطه‌ستیزی، بیگانه‌ستیزی، استبدادستیزی

علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرف‌هایی که گاهی گوشه و کنار گفته می‌شود - چه چیزهایی که آنها شعارش را می‌دهند، چه تصوراتی که بعضی در داخل می‌کنند - نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات»

نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی می‌کند. یک چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله‌ی دانش، و فتح قله‌های دانش؛ اینها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری می‌کند.

این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه صهیونیستی دنیا است. اگر

نفوذ آمریکا را قبول کنیم، دشمنی‌ها کم خواهد شد؛ اگر راضی شویم که ملت ما به وسیله بیگانگان به طرق مختلف تحقیر شود، دفاع از هویت ملی یا دفاع از ارزش‌های اسلامی را کنار بگذاریم، مطمئناً دشمنی‌ها به همین نسبت کم خواهد شد. اینکه می‌گویند جمهوری اسلامی رفتار خود را عوض کند، یعنی این. شفته‌اید گاهی مسئولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل آمریکا، درباره ایران که صحبت می‌کنند، می‌گویند: ما نمی‌گوئیم جمهوری اسلامی از بین برود، می‌گوئیم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نفی و از این اثبات دست بردارد. این را می‌خواهند.

با همین ایستادگی در این نفی و در آن اثبات، جمهوری اسلامی توانسته با جبهه گسترده‌ی مجهز به انواع امکانات مواجه شود و در مقابل او مقاومت کند؛ همان حالتی که در هشت سال دفاع مقدس بود که شرق و غرب و اروپا و ناتو و بعضی از کشورهای عربی و همه، دست به دست هم دادند علیه جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی بالاخره همه آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد و خود هیچ عقب‌نشینی نکرد.

در عرصه سیاسی و در سال‌های بعد از جنگ تا امروز همین معنا وجود داشته؛ یعنی جمهوری اسلامی توانسته در مقابل این جبهه عظیمی که در برابرش شکل پیدا کرده، بایستد؛ نه فقط عقب‌نشینی نکند، بلکه پیشروی کند و به دشمن ضربه وارد کند. این، اتفاق افتاده (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

۳. عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی بر ایجاد برادری و برابری، اخلاق

همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم می‌شکند.

آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ

ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزواء انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودربایستی‌ها، ضعف‌های شخصی، ضعف‌های شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ خیلی اثری نمی‌بخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا: مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمی‌دهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است (همان).

۴. پرهیز از اشرافیگری

اجتناب از اشرافیگری؛ یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضی‌ها سعی کردند کمرنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد. اشرافیگری و گرایش به اشرافیگری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافیگری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافیگری باشد، شدت اجتناب می‌کردند. مسئولین کشور در درجه اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند. این تدریجاً ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافیگری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده‌زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است. این یکی از شاخص‌هاست (همان).

۵. مردمی بودن، اسلامی بودن، دفاع از مظلومان عالم

"امام در وصیت‌نامه‌شان تأکید می‌کنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ‌کس - هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای - نمی‌تواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچ‌کاره و خدا را همه‌کاره می‌داند. این در بیانات امام موج می‌زند و در وصیت‌نامه به آن تأکید و تصریح شده است.

پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی می‌کند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیری‌های انقلاب است؛ به ارزش‌ها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بُعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بُعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بُعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند.

انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدف‌های انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه از همه مظلومان" (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۷).

"من در اینجا تعدادی از این ارزش‌ها را عرض می‌کنم، البته اگر بخواهیم این ارزش‌ها را در یک‌کلمه بیان کنیم، من عرض می‌کنم اسلام؛ اما اسلام یک کلمه مجمل است و تفصیل گوناگونی از آن می‌شود. ملت ما به دنبال ارزش‌هایی بود که همه‌اش در داخل اسلام هست و من به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

ارزش اول، ایمان است. مردم از هر هری مسلکی و بی‌بندوباری و بی‌ایمانی بیزار و ناراضی بودند و می‌خواستند دلشان به ایمانی قرص باشد، ارزش بعدی، عدالت است. مردم می‌دیدند که جامعه، جامعه غیر عادلانه‌ای است. بی‌دریغ از بالا تا پایین ظلم می‌کردند؛ خودشان هم به خودشان ظلم می‌کردند. در داخل رژیم طاغوت، آنجا هم نسبت به همدیگر ظلم و بی‌عدالتی روا می‌داشتند؛ به مردم هم بی‌نهایت ظلم می‌شد. در قضاوت ظلم می‌شد، در تقسیم ثروت ظلم می‌شد، در کار ظلم می‌شد، به شهرهای دور دست ظلم می‌شد، به آدم‌های ضعیف ظلم می‌شد. همه جا ظلم محسوس بود و انسان با پوست و گوشتِ خودش ظلم را حس می‌کرد.

مردم به دنبال عدالت و رفع شکاف طبقاتی و رفع فقر بودند. این هم یکی از ارزش‌هایی بود که مردم دنبالش بودند. این مقوله دیگری غیر از عدالت است. در جامعه، کسی یا مجموعه‌ای در اوج غنا و برخورداری؛ اما یک عدّه دیگر از اولیات زندگی محروم. این چیزی است که هرکسی از آن مشمئز می‌شود و آن را نمی‌پسندد. مردم به دنبال رفع شکاف طبقاتی و نزدیک کردن فاصله‌ها بودند. ما مثل کمونیست‌ها ادعا نمی‌کردیم که همه بیایند نان‌خور دولت شوند و ما به همه حقوق مساوی بدهیم؛ نه. اما شکاف طبقاتی به این صورت و با این عمق، برای مردم و انقلابیون مسلمان و برای رهبر آن‌ها قابل قبول نبود.

رژیم طاغوت و رژیم‌های قبل از آن در ایران، مردمی نبودند. مردم هیچ‌کاره بودند. یک نفر به کمک انگلیس‌ها آمده بود، در تهران کودتا کرده بود و خودش را پادشاه نامیده بود. بعد هم که خواست از ایران برود یعنی خواستند او را ببرند؛ چون پیر شده بود و به‌دردشان نمی‌خورد پسرش را جانشین خودش کرد! آخر این پسر کیست و چیست؟! پس مردم چه‌کاره‌اند و رأی آن‌ها چیست؟! این‌ها اصلاً مطرح نبود. قبل از آن‌ها هم قاجاریه بودند. یک فاسد می‌مرد، یک فاسد دیگر به جای خودش می‌گذاشت. مردم در اداره و تعیین حکومت، هیچ‌کاره محض بودند. مردم این را نمی‌پسندیدند. مردم می‌خواستند که حکومت متعلق به آن‌ها باشد؛ برخاسته از آن‌ها باشد؛ رأی آن‌ها در آن اثر داشته باشد.

ارزش بعدی، دین‌داری است. مردم می‌خواستند متدین باشند. آن رژیم گذشته در همه جا در محیط جامعه، در سربازخانه، در دانشگاه و در مدرسه سعی می‌کرد مردم را به بی‌دینی سوق دهد؛ اما مردم نمی‌خواستند. مردم متدین بودند. مردم نشان دادند که ایمان و اعتقاد به اسلام، تا اعماق جان آن‌ها نفوذ دارد.

ارزش دیگر، دوری از اسراف و تجمل در سطح زمامداران است. البته تجمل و اسراف در همه جا بد است؛ اما آن چیزی که مردم را وادار می‌کرد که نسبت به این قضیه حساسیت نشان دهند، رفتارهای مسرفانه و متجملانه و ولخرجی‌ها با مال مردم در سطح حکومت بود. این از آن چیزهایی بود که مردم نمی‌خواستند. نظام اسلامی بر اساس این ارزش به وجود آمد که چنین چیزی نباشد.

ارزش دیگر، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران است. مردم می‌خواستند کسانی که در رأس جامعه‌اند، متدین باشند؛ فاسد نباشند؛ اخلاقشان فاسد نباشد؛ رفتارشان فاسد نباشد؛ خودشان فاسد نباشند؛ دوروبری‌هایشان فاسد نباشند، که آن روز بودند!

رواج اخلاق فاضله، یکی دیگر از ارزش‌ها بود. مردم مایل بودند که اخلاق نیک و خلیقات اسلامی پسندیده در بین آن‌ها شیوع پیدا کند و برادری، محبت، همکاری، صبر، اغماض، بخشش، دستگیری از ضعفا و کمک به ضعفا و گفتن حق بین آن‌ها رایج شود.

آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزش‌های انقلاب بود. مردم می‌خواستند آزادانه فکر کنند. آن روز، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری هم نبود. مردم این را نمی‌خواستند؛ می‌خواستند این آزادی‌ها باشد.

یکی دیگر از ارزشها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم می‌خواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا امریکا نباشد؛ از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته به کمپانی‌های جهانی نباشد که هر کاری می‌خواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ عمیق و غنی‌ای که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد.

ارزش‌ها که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسان‌های برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها" (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۰۲/۲۳).

نظر به ارزش‌های مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری برای انقلاب اسلامی و غلبه صبغه تربیتی بر این ارزش‌ها و با عنایت به اینکه عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت

در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد‌های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

جلوه انقلاب اسلامی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل اهمیت نقش مدرسه و آموزش و پرورش در تربیت دانش‌آموزان، انتظارات از این نهاد تربیتی افزایش یافت و برنامه ریزان و سیاستگذاران نظام تعلیم و تربیت به انجام تغییرات و تحولاتی در نظام آموزش و پرورش رسمی پرداختند تا زمینه را برای پرورش انسان‌های مؤمن و متخلق به اخلاق و آداب اسلامی فراهم سازند. تغییر اهداف نظام آموزش و پرورش، تغییر کتب درسی و به ویژه کتب درس دینی و تأسیس نهادی به نام امور تربیتی از جمله اقدامات مهمی بود که می‌توان از آنها نام برد. انتظار این بود که با تشکیل نهاد امور تربیتی و تحولات دیگری که در نظام آموزش و پرورش در زمینه تربیت دینی صورت گرفته بود، محصولات و برون‌داد‌های مدارس متناسب با اهداف مورد نظر تربیت یافته باشند؛ اما به دلایل مختلف انتظارات متولیان و برنامه ریزان تعلیم و تربیت تحقق نیافت و لذا دغدغه عدم کارایی لازم در زمینه تربیت اسلامی و دینی دانش‌آموزان در مدارس، بالا گرفت و چنین نتیجه گیری شد که علیرغم سعی و تلاش زیاد آموزش و پرورش در تربیت دانش‌آموزان و کسب برخی موفقیت‌ها، هنوز دشواری‌ها و بن‌بست‌های زیادی پیشروی آن قرار دارد (باقری، ۱۳۸۰).

آنچه مشهود به نظر می‌رسد این است که به جریان انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای تاریخی در مقاطع مختلف تحصیلی توجه شده و صرفاً در بخش محتوایی به طرح مباحثی تاریخی از انقلاب اسلامی به منظور انتقال مفهوم انقلاب اسلامی در قالب تصاویر، بازگویی خاطره‌ها و نقل داستان‌ها اکتفا شده است (اکبری شلدره ای، ۱۳۸۷: ۱۸).

داشتن چنین نگاهی نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، حامل آسیب‌هایی از جمله پاسخ ندادن به شبهات ذهنی فراگیران، عدم تقویت اندیشه‌ورزی، توجه صرف به بررسی مسائل بر اساس رخدادهای زمانی و تقویمی و ایجاد شکاف بین محتواهای مختلف کتب درسی نسبت به آرمان‌های بی‌بدیل انقلاب اسلامی خواهد بود (جعفرنیا، ۱۳۹۳).

در برنامه درسی ملی نظام آموزش و پرورش، اشارات غیر مستقیم به مفاهیم انقلاب، ارزش‌ها، دستاوردها و آرمان‌های آن شده است که بیشتر برای آگاهی از ویژگی‌های یک انسان مومن، دیندار و متخلق به اخلاق اسلامی به کار می‌آید و به طور ویژه برای تربیت یک مسلمان مؤمن و انقلابی که در شرایط مختلف برای کمک به نجات مملکت از بحران‌های پیش آمده، کارآمد و مفید هستند برنامه ریزی نشده است (ستایش، ۱۳۹۳).

در واقع آنچه در در برنامه‌های آموزشی و تربیتی نظام آموزش و پرورش رسمی دیده می‌شود، صرفاً آشنا ساختن متریبان با ویژگی‌هایی است که کم و بیش به انقلاب اسلامی ارتباط می‌یابد، نه محقق ساختن و تربیت یک انسان انقلابی.

نتیجه‌گیری

رسیدن به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، در درجه اول مستلزم آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم و اصطلاحات مرتبط در این خصوص است تا زمینه‌ساز آگاهی مخاطبان نظام آموزشی با جریان انقلاب اسلامی شود. باید توجه داشت دستیابی به نگرش مثبت نسبت به ارزش‌های انقلاب و میل به اقدامات عملی در خصوص پیام‌های آن در فراگیران و همچنین بروز تغییرات مطلوب در رفتار آنان در زمینه ارزش‌های انقلابی نیز نیازمند آشنایی با مفاهیم انقلابی است. پس با توجه به انعکاس آموزه‌ها و ارزش‌های مختلف در برنامه‌های آموزشی و درسی، به واسطه چنین مفاهیمی می‌توان ارزش‌های بی‌بدیل انقلاب اسلامی را از طریق محتوای این برنامه‌ها در اذهان دانش‌آموزان نهادینه ساخت تا در نهایت، به عمل متعهدانه منجر شود.

لذا آموزش و پرورش از حیث توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی نیازمند تجدید نظر و اصلاح می‌باشد. برای این منظور گفتمان‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به عنوان دیدگاه و رویکردی نو در جهت گذر از آسیب‌شناسی موجود برای مطرح‌سازی ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌گردد.

ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی تنها از راه تبدیل شدن به «گفتمان» می‌توانند محقق شوند، لذا گفتمان‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی به معنای «تبدیل شدن» آن‌ها به روح کلی اقشار مختلف جامعه و تبلور آن‌ها در شیوه‌ی زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و

جریان یافتن آن در سراسر حیات اجتماعی است و این یکی از مهمترین رسالت‌های آموزش و پرورش است. لذا نظام آموزش و پرورش رسمی که با اهداف و محتوای مشخص و از قبل تعیین شده آموزش دانش آموزان و آینده سازان این مرز و بوم را به عهده دارد، می تواند در گفتمان سازی ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی نقش اساسی را ایفا کند. با توجه به اینکه ارزش های درونی شده در دوره های کودکی و نوجوانی زیرساخت های فکری و نگرشی افراد در بزرگسالی را شکل می دهند، باید پذیرفت که نهادهای تربیتی از جمله دستگاه آموزش و پرورش گام های نخستین و کلیدی را در جهت گفتمان سازی ارزشی جامعه می توانند برمی دارند.

امروزه با توجه به تغییرات و تحولات سریع و گسترده در جوامع بشری و همچنین وجود ابزارهای ارتباطی متعدد، شبکه های اجتماعی و فناوری های پیشرفته، نوع نگرش، طرز تفکر و در نتیجه شیوه و سبک زندگی مردم دچار تغییر شده و به تبع آن، ارزش ها و اعتقاداتشان نیز تحت الشعاع قرار گرفته است؛ بنابراین ضروری است که داعیه داران فعالیت های آموزشی - تربیتی، از جمله نظام آموزش و پرورش رسمی وارد عمل شده و دانش آموزان را در عرصه هایی چون نحوه بررسی و تشخیص ماهیت ارزش های اجتماعی و عقیدتی کمک نماید، به گونه ای که دانش آموزان در بررسی انواع ارزش های ارائه شده در جامعه از سوی کانال های ارتباطی مختلف، براساس موازین اعتقادی و انقلابی خود عمل کرده و بتوانند بین ارزش های رایج با مبانی انقلابی، عقیدتی و اسلامی که جنبه مطلق داشته با ارزش های نسبی و قراردادی سایر فرهنگ ها، تفاوت ماهوی قائل شوند. دانش آموزان جامعه ایرانی، باید بتوانند در حوزه ارزش های انقلابی، ثبات و پایداری ارزشی را مبنا قرار داده و بعلاوه در حوزه ارزش های نسبی براساس پالایش و بازآفرینی شخصی، بهترین ها را که متناسب با شرایط کنونی زمان و مکان آنان است، انتخاب و ملاک عمل قرار دهند.

کتابنامه:

- اسکندری، محمدرضا (۱۳۹۳). اهمیت و جایگاه گفتمان سازی در منظومه فکری رهبری، وب سایت بصیرت.
- آصفی، امین (۱۳۹۰). وصیتنامه سیاسی _ الهی روح الله الموسوی الخمینی (ره)، تهران: قلم علم.
- اکبری شلدردی، فریدون (۱۳۸۷). بررسی حضور ادبیات انقلاب در کتاب های درسی. کتاب ماه ادبیات، ۲۲ (۱۳۶)، ۱۷-۲.
- باصری، احمد (۱۳۸۶). بررسی روش‌های جذب دختران دبیرستانی برای دفاع از آرمان‌های انقلاب در محیط های آموزشی، زنان و خانواده، ۲ (۴)، ۷۸-۴۳.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰). آسیب و سلامت در تربیت دینی، ویژه نامه آسیب شناسی تربیت دینی، کتاب ششم، نشر تربیت اسلامی.
- بشیر، حسن و حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۸). مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس، پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶ (۵۷)، ۹۳-۱۱۴.
- بهاگردی، بهاره؛ سعیدی رضوانی، محمود و صحافیان، مهدی (۱۳۸۷). تأملی در میزان استفاده از ظرفیت درس زبان و ادبیات فارسی (دوره متوسطه)، در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. مجموعه مقالات همایش ملی ایثار و شهادت، فرصت‌ها و چالش‌ها در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست، مازندران: دانشگاه مازندران، ۲۶۹-۲۴۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در مجامع و جلسات مختلف.
- پاکمهر، حمیده و همکاران (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه های انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۶ (۱۴)، ۱۷۵-۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جعفرنیا، فاطمه سادات (۱۳۹۳). تحلیل کیفی محتوای کتب درسی دوره متوسطه از منظر گفتمان سازی نظریه ولایت فقیه بر اساس آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسینی نسب، داوود و علی اقدم، اصغر (۱۳۷۵). فرهنگ تعلیم و تربیت، چاپ احرار، تبریز.

حق ویردی، رضا؛ برخورداری، رمضان؛ کشاورز، سوسن و محمودنیا، علیرضا (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان تربیت معلم در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران. فلسفه تربیت، ۴(۲)، ۵۷-۸۱

خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۲۷۹-۱۳۶۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی(س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) (جلد نوزدهم، جلد پانزدهم، جلد چهاردهم، جلد سیزدهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).

ستایش، حسن (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل برنامه درسی ملی از منظر توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی و روش‌های انتقال آن به دانش‌آموزان، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

سند برنامه درسی ملی (۱۳۸۹). نگاشت سوم، وزارت آموزش و پرورش.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شبدینی پاشاکی، محمد، کریمی خوشحال، علی و سرافراز، محمود (۱۴۰۰). گفتمان‌سازی ولایت (مدل، شیوه و ابزار)، پژوهش‌های گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱(۱)، ۸۵-۶۱.

صافی، احمد (۱۳۹۳). پرونده: راهنمای تحصیلی در آموزش و پرورش ایران، فرصت‌ها و تهدیدها، رشد آموزش مشاور مدرسه.

عضدانلو، حمید (۱۳۷۵). درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره‌ی گفتمان، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴.

فانی، علی اصغر (۱۳۸۶). نقش آموزش و پرورش در تقویت اتحاد ملی، مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملی؛ راهبردها و سیاست‌ها، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کریمی‌نیا، محمد مهدی و همکاران (۱۴۰۱). ضرورت تحقق اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن توسط روحانیت با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب، پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، ۴(۳۴)، ۱۸-۱.

گوتگ، جرالد ال و پاک‌سرشت، محمدجعفر (۱۳۸۹). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. تهران: سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات صدرا، چ ۹.

منافی شرف‌آباد، کاظم، زمانی، الهام (۱۳۹۱). نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی

جامعه، مهندسی فرهنگی، ۷(۷۴-۷۳)، ۱۵۱-۱۳۴.

نجف زاده، مهدی (۱۳۸۲). گفتمان از صورتبندی دانایی تا امر سیاسی. گفتمان، ش ۷.

هاشمی، صفیه سادات (۱۴۰۰). بررسی بازنمایی ارزش‌های انقلاب اسلامی در سیاست‌های کلان

کشور، سیاستگذاری عمومی، ۷(۲)، ۲۰۲-۱۸.